



مارکسیسم و جنبش‌های اجتماعی

ویراستاران: کالین بارکر،
لارنس کاکس، جان کرینسکی
و آلف گنوالد نیلسن

ترجمه مهرداد امامی

عنوان و نام پدیدآور: مارکسیسم و جنبش‌های اجتماعی، ویراستاران کالین بارکر... [و دیگران]؛ ترجمه مهرداد امامی؛ ویراستار فرهاد علی‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: اسطوره پرومته، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۶۷۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۹۹-۳-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Marxism and social movements, 2013.

یادداشت: ویراستاران کالین بارکر، لارنس کاکس، جان کرینسکی و آلف گنوالد نیلسن.

موضوع: کمونیسم

Communism

جنبش‌های اجتماعی

Social movements

شناسه افزوده: بارکر، کالین، ۱۹۳۹-م.، ویراستار

شناسه افزوده: Barker, Colin, 1939-

شناسه افزوده: امامی، مهرداد، ۱۳۶۹-، مترجم

رده‌بندی کنگره: HX^۳

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۴۰۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۵۲۴۷۴۷

- ترجمه تاراج: کالین بارکر، لارنس کاکس، جان کرینسکی
- رالف گنوال، نیلسن
- ترجمه مهم ادا ام‌ای
- ویراستار: محمد علی نژاد
- طراح جلد: نیم حامد • صفحه‌آرا: نفیسه عطاران
- چاپ اول • پاییز ۱۴۰۳ • بهار ۱۴۰۴ • ۳۰۰ نسخه
- قیمت: ۹۶۰۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: گیلان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۹۹-۳-۹
- نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، طبقه زیر همکف، واحد ۹
- تلفن: ۶۶۹۵۸۳۷۸-۰۲۱ • کدپستی: ۱۳۱۴۷۵۵۵۷۱
- نشر اسطوره پرومته • www.prometheepub.com
- [prometheepub](https://www.instagram.com/prometheepub) • [prometheepub](https://www.facebook.com/prometheepub)



اسطوره پرومته

• همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۵	مارکسیسم و جنبش‌های اجتماعی: یک مقدمه کالین بارکر، لارنس کاکس، جان کرینسکی و آلف گنوالد نیلسن
۷۳	بخش نخست: چارچوب‌های نظری
۷۵	مارکسیسم و جنبش‌های اجتماعی
۷۷	۱. مبارزه طبقاتی و جنبش‌های اجتماعی کالین بارکر
۱۰۹	۲. نظریه مارکسیستی جنبش‌های اجتماعی چه شکلی می‌تواند داشته باشد؟ آلف گنوالد نیلسن و لارنس کاکس
۱۳۷	مطالعات جنبش‌های اجتماعی و ناخشنودی‌های آن
۱۳۹	۳. ناپدید شدن عجیب سرمایه‌داری از مطالعات جنبش اجتماعی گابریل هتلند و جف گودوین
۱۶۹	۴. مارکسیسم و سیاست امکان: فراسوی مرزهای آکادمیک جان کرینسکی
۱۹۹	بخش دوم: چگونگی عملکرد جنبش‌های اجتماعی
۲۰۱	رویکردهای تحولی به جنبش‌های اجتماعی
۲۰۳	۱. و هنوز در حرکت است: اندیشیدن به «جنبش اجتماعی» لارنس کاکس

- ۲۳۷ ۲. شکل‌گیری طبقه و جنبش کارگری در چین انقلابی
مارک بلچر
- ۲۶۵ ۳. اعتراض به پروژه توسعه پسااستعماری:
رویکردی مارکسیستی به مقاومت مردمی در دره نارمادا
آلف گنوالد نیلسن
- ۲۹۳ سیاست جنبش‌های اجتماعی
- ۲۹۵ ۴. تحلیل مارکسیستی اعضای عادی / بوروکراسی اتحادیه‌گرایی:
دلالت‌هایی ضمنی برای مطالعه سازمان‌های جنبش اجتماعی
رالف دارلینگتن
- ۳۲۷ ۵. دفاع از مکان، بازسازی فضا: جنبش‌های اجتماعی در آواخاکا و چیاپاس
کریس هیک
- ۳۶۱ ۶. مارکسیسم ناپروژه و ترکیب در جنبش‌های اجتماعی شهری آفریقای جنوبی
پاتریک باند، آشرین دسائیر و ترور نیوان
- ۳۹۷ بخش سوم: دیدن تصویر بزرگ‌تر
- ۳۹۹ رویکرد تطبیقی-تاریخی
- ۴۰۱ ۱. اندیشیدن در باب جنبش‌های اجتماعی: «نوشته‌ها»:
برخی از نگرش‌های مورخان مارکسیست بر بنیایی
پل بلکلج
- ۴۲۷ ۲. جنبش‌های اجتماعی دست‌راستی: بلاتکلیفی سیاست بدیج توده‌ای
نیل دیویدسن
- ۴۵۹ ۳. طبقه، کاست، حکومت استعماری و مقاومت: شورش ۱۸۵۷ در هندوستان
هیرا سینگ
- ۴۸۵ ۴. انترناسیونال سیاهان همچون موج جنبش اجتماعی:
تاریخ شورش پان‌آفریقایی اثر سی.ال.آر. جیمز
کریستن هاگزبرگ
- ۵۱۵ جنبش‌های اجتماعی در برابر نئولیبرالیسم
- ۵۱۷ ۵. زبان، مارکسیسم و درک دستورکارهای سیاست‌گذارانه:
نئولیبرالیسم و صدای سیاسی در فقیرترین اجتماع‌های اسکاتلند
چیک کالینز
- ۵۴۷ ۶. روشنفکران ارگانیک در جنبش عدالت جهانی استرالیا: اهمیت یازدهم سپتامبر
الیزابت همفریز

۵۷۵	۷. «بی‌سازمانی» همچون تاکتیک جنبش اجتماعی: بازیابی سیاست طی بحران سرمایه‌داری نئولیبرال هیک شامبرگ
۶۱۱	۸. «یگانگی در چندگانگی»: آرایش‌های طبقه کارگر و خیزش‌های مردمی از کوچابامبا تا قاهره دیوید مک‌نالی
۶۴۷	کتاب‌شناسی
۷۰۳	نمایه

مقدمه مترجم

ما در زمانه‌ای به سر می‌بریم که در آن هرگونه تلاش برای بازپس‌گیری حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی طبقات و گروه‌های ستمدیده با واکنش بیش‌ازپیش سرکوبگرانه طبقات حاکم و سرمایه‌دار ملی و بین‌المللی مواجه می‌شود، زمانه‌ای که در آن نام‌بردن از انقلاب و دگرگونی‌های اساسی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مترادف خیال‌پردازی و آرمان‌گرایی است، زمانه‌ای که در آن طبقات حاکم ملی و بین‌المللی تحت سیطره انواع و اقسام ایدئولوژی‌های سرمایه‌دارانه، مذهبی، شوونیستی، جنسیت‌زده و نژادپرستانه توانسته‌اند تقریباً به تمام دستاوردهای مبارزات سیاسی و اجتماعی تاکنونی هجوم ببرند و عرصه را برای روندهای هژمونیک سلب مالکیت، نقض حقوق اساسی و تشکل‌زدایی فراهم کنند. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای «شمال و جنوب جهانی» سرنوشت جنبش‌های اجتماعی ظرف ۳۰ سال گذشته عمده‌تأثیر از آشکال جدید سازمان‌یابی افقی و غیرسلسله‌مراتبی، صورت‌بندی نوین مطالبات هویتی، روندهای مبارزات مدنی خشونت‌پرهیز و غیره بوده است، عمده جنبش‌های اجتماعی در معرض تبدیل‌شدن به سازمان‌های غیردولتی بوده‌اند، روندی که از آن تحت عنوان «ان‌جی‌اویی‌سازی جنبش‌ها» یاد می‌شود و به‌محاق‌برنده رادیکال‌ترین بالقوگی‌های دگرگونی‌ساز جنبش‌هاست. در چنین شرایطی جای شگفتی نیست که معترضان و سازمان‌های برآمده از خلال مبارزات مردمی در بسیاری از نقاط جای خود را به «کارآفرینان جنبشی» داده‌اند،

یعنی کسانی که با یافتن خلأهایی در امر مبارزه، درست همان‌طور که کارآفرینان اقتصادی چنین می‌کنند، میان دولت‌ها، شرکت‌ها و معترضان به دنبال پُرکردن شکاف‌های ایجادشده در «بازار جنبش‌های اجتماعی» اند. طی این روند مبارزان رفته‌رفته جای خود را به لابی‌گران حرفه‌ای داده و عرصه را برای بوروکراتیک‌سازی هرچه بیشتر جنبش‌های اجتماعی درون سازمان‌های نوپا و یا پیشاپیش موجود ملی و بین‌المللی فراهم می‌آورند. در همین چارچوب است که حتی پیامد رادیکال‌ترین جنبش‌های اجتماعی در بسیاری از نقاط جهان چیزی جز بازشناسی گروه‌های ستمدیدهٔ روز، ساختارهای موجود قدرت و سلطه نبوده است. البته که بازشناسی از جانب ساختارها، قانونی و دولتی ممکن است اهمیتی حیاتی برای مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی داشته باشد، اما همان‌طور که تاریخ مبارزات طبقاتی و مردمی نشانمان می‌دهد این تنها گام نخست برای حرکت به سوی برقراری حدی از عدالت و برابری و آزادی در ساختارهای سلطهٔ موجود است و نه هدف غایی مبارزات سیاسی و اجتماعی!

مفهوم جنبش‌های اجتماعی در آثار پژوهشی علوم اجتماعی در مکاتب مختلف به طرق متنوعی عرضه شده است. حوزهٔ پژوهش جنبش‌های اجتماعی هم‌پای تحولات اصلی جوامع و همچنین نظریه‌های اجتماعی تغییر و تحول یافته است. اگرچه در نظریه‌های بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مدرن، شخصیت‌هایی مثل امیل دورکم، کارل مارکس، ماکس وبر و گئورگ زیمل، به صورت‌هایی از آنچه بعدها «نظریهٔ جنبش اجتماعی» نام گرفت برمی‌خوریم، اما شکل‌گیری و تحول این نظریه عمدتاً محصول وقایع و نظریه‌پردازان قرن بیستم بوده است. «نظریهٔ جنبش اجتماعی» به‌طور مشخص در دههٔ ۱۹۶۰ ظهور کرد، یعنی زمانی که نسل جدیدی از جامعه‌شناسان شروع به ارزیابی جنبش‌های اجتماعی همچون آشکال مشروع کنش سیاسی کردند و مشارکت‌کنندگان در این جنبش‌ها را کنشگرانی عقلانی در نظر گرفتند. از این‌رو جای شگفتی نیست که بخش عمده‌ای از نظریه‌های جنبش اجتماعی متأثر از نظریه‌های

جریان اصلی جامعه‌شناسی از قبیل نظریه‌های کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین پرورش یافته‌اند. این نظریه‌ها از یک سو به خصلت‌های ساختاری، سازمانی و نهادی جنبش‌های اجتماعی و از سوی دیگر به ویژگی‌های روان‌شناختی، فردی، شناختی و عقلانی مشارکت‌کنندگان در جنبش‌ها پرداخته‌اند. به بیان دیگر پُر واضح است که در نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی جریان اصلی هم تأکیدی کلان بر تحلیل جنبش‌ها و هم تأکیدی خُرد بر این مقوله در کار است. با این حال فهم جنبش‌های اجتماعی همچون یک کل برای بسیاری از نظریه‌های این حوزه که به دنبال تحلیل جزئی یا بخشی بوده‌اند، جای از اعراب نداشته است. همچنین، همان‌طور که نویسندگان کتاب حاضر عنوان می‌کنند، ظرف سالیان اخیر ما با پدیده نادیده‌نگاری نقد سرمایه‌داری درون‌نظریه‌های جریان اصلی جنبش اجتماعی مواجه بوده‌ایم. این شکاف ما را وامی‌دارد تا برای تحلیل جنبش‌های اجتماعی در بسترهای گوناگون به دنبال نظریه‌های بدیلی باشیم به‌نحوی که بتوانند در فهم تناقض، درون‌ماندگاری، پیوستگی و پراکسیس جنبش‌های اجتماعی در قالب یک کلیت یاری‌رسانمان باشند، به نحوی که جنبش‌های اجتماعی را نه به‌منزله پدیده‌هایی مجزا و نامرتبط به هم بلکه همچون اجزای کلیتی به هم پیوسته تلقی کنیم و برای بهبود وضعیتشان دست به عمل بزنیم. کتاب حاضر تلاشی است در همین چارچوب و دلیل اصلی ترجمه آن نیز در همین مسئله نهفته است.

در حوزه آثار پژوهشی مرتبط با جنبش‌های اجتماعی تصور غالب این است که مارکسیسم به‌خاطر تأکیدش بر نقش جنبش طبقه کارگر (عمدتاً در معنای پرولتاریای صنعتی) در مبارزات طبقاتی حرف زیادی درباره جنبش‌های غیرطبقه‌کارگری و در رابطه با سایر اشکال سلطه و ستم ندارد. به بیان دیگر گفته می‌شود که چیزی تحت عنوان نظریه مارکسیستی جنبش‌های اجتماعی نه در آثار مارکسیست‌های کلاسیک و نه در آثار مارکسیست‌های قرن بیستم حضور چشمگیری ندارد. حال آنکه به محض فاصله‌گرفتن از این تصویر کاریکاتوری از مارکسیسم با حجم وسیعی از آثار پژوهشی و

نظری مارکسیست‌هایی مواجه می‌شویم که نه تنها به بررسی اشکال مختلف مبارزات طبقاتی در بسترهای گوناگون پرداخته‌اند بلکه به همان اندازه در مورد سایر مبارزات اجتماعی-سیاسی رهایی‌بخش از قبیل مبارزات زنان، اتنیک‌ها و گروه‌های نژادی تحت ستم، اقلیت‌های جنسی/جنسیتی و حتی اقلیت‌های مذهبی صاحب‌نظر بوده‌اند. به علاوه این گرایش نظری-پژوهشی تنها گرایشی انتزاعی به تحلیل وقایع سیاسی-اجتماعی نبوده است و در بسیاری از موارد پژوهشگران فعال در حوزه نظریه مارکسیستی جنبش‌های اجتماعی خود از معترضان، سازمان‌دهندگان و حتی سخنگویان جنبش‌های اجتماعی بوده‌اند. به همین دلیل اهمیت نظریه مارکسیستی در تحلیل جنبش‌های اجتماعی نه فقط در دیدگاه نظری آن بلکه در ارتباط با خود مقوله پراکسیس / تلاش عملی برای مقاومت در برابر اشکال مختلف سرکوب و سلطه و نیز حرکت به سوی حق جهان‌نویس از دل بقایای جهان کهن نهفته است.

اهمیت ترجمه کتاب حاضر به بیان فارسی در این است که اگر نگاهی به آثار موجود در زمینه جنبش‌های اجتماعی این رژیم، درمی‌یابیم که جز معدود کتاب‌هایی در زمینه نظریه‌های جریان اصلی جنبش‌های اجتماعی منابع بدیل‌چندانی وجود ندارد. کتاب‌های نویسندگانی مثل برینگتون مور، پارلز تیلی، دونالدلاپورتا و آلن تورن که همگی در واقع از نویسندگان جریان اصلی نظریه‌های جنبش اجتماعی به شمار می‌روند طی سال‌های اخیر در ایران انتشار یافته‌اند. بخش چشمگیری از آثار پژوهشی جنبش‌های اجتماعی را عمدتاً نظریه‌های پسا مارکسیستی و «جنبش‌های اجتماعی نوین» تشکیل می‌دهند که در زبان فارسی بیشتر با آثار متفکرانی مثل ارنستو لاکلاو و شانتال موف، آنتونیو نگری و مایکل هارت، آلبرتو ملوچی و کلاس اوفه شناخته شده‌اند. آثار ترجمه‌شده آصف بیات درباره جنبش‌های اجتماعی در ایران و خاورمیانه معاصر را هم شاید بتوان در این دسته قرار داد. بنابراین در زبان فارسی پژوهش‌های نظری و تجربی مارکسیستی حول موضوع جنبش‌های اجتماعی نظرهای اندکی را به خود جلب کرده است. امید دارم ترجمه کتاب حاضر

بتواند دست‌کم برای مخاطبان این حوزه راهگشا باشد. در پایان لازم می‌دانم از نشر اسطوره‌پرومته و ویراستار محترم آن که در آماده‌سازی کتاب زحمات فراوانی کشیدند و نکات آموزنده‌ای را مطرح کردند تشکر کنم. پرواضح است که مسئولیت هرگونه خطای احتمالی در ترجمه بر عهده مترجم است. ترجمه این کتاب تقدیم می‌شود به تمام جان‌های زیبایی که، به قول ودات تورک‌علی شاعر کمونیست تُرک، «در چنگال حرامیان» گرفتار شدند، اما «در قلوبشان پیکار، در قلوبشان پیروزی» نقش بسته و می‌دانند که «این همه رنج بی‌پرده کشیده نشد».

مهرداد امامی

آذر ۱۴۰۲

آنکارا